



علوم انسانی باید ملهم و منبعث از متافیزیک الهی باشد/ غرب انسان را حیوان تکامل یافته می داند

رئیس مؤسسه معارف وحی و خرد با اشاره به اینکه علوم انسانی باید ملهم و منبعث از متافیزیک ادیان الهی به ویژه اسلام باشد، گفت: تعریفی که غربی ها از انسان دارند به معنی دقیق کلمه حیوان تکامل یافته است.

رئیس مؤسسه معارف وحی و خرد با اشاره به اینکه علوم انسانی باید ملهم و منبعث از متافیزیک ادیان الهی به ویژه اسلام باشد، گفت: تعریفی که غربی ها از انسان دارند به معنی دقیق کلمه حیوان تکامل یافته است.

حجت الاسلام "علی نصیری" رئیس مؤسسه معارف وحی و خرد در مورد اینکه مبانی علمی و فلسفی تحول علوم انسانی چیستند به خبرنگار مهر گفت: در بخش علوم انسانی با چند مبنا از جمله مبانی معرفت شناسی، مبانی هستی شناسی، مبانی انسان شناسی و مبانی روان شناسی مواجه هستیم. حداقل می توان گفت این 4 حوزه علوم انسانی ما را می سازند و هر کدام از اینها در علوم انسانی تأثیرگذارند.

وی افزود: آن چیزی که در مباحثات و گفت و شنودها الان در قالب مقالات و نوشته ها و سمینارها و حتی بحث هایی که احیاناً به صدا و سیما کشانده شده شاهدش بودیم یک وفاق روشنی در این زمینه دیده نمی شود. به نظر می رسد هم در ارتباط با تعریف علوم انسانی که دقیقاً چه چیزی را اراده کرده ایم اینکه هدفمان از اسلامی کردن این علوم دقیقاً چیست و بر اساس چه مبانی و چه قواعدی و پایه هایی باید هدفمان از این علوم شکل بگیرد در تمامی این مسائل اختلافات بسیار جدی داریم و حتی بعضی از شخصیت های برجسته حوزه هم که در همایش علوم انسانی آمدند و تعبیراتی داشتند که اساساً علوم غیر دینی نداریم باز عده ای بر سر این مطلب هم حرف دارند.

رئیس مؤسسه معارف وحی و خرد تصریح کرد: بنابراین در این عرصه و اریکه دچار مشکلات فراوانی هستیم که باید آنها را حل کنیم. آن چیزی که به نظر می رسد این است انسان مدار و محور آموزه های دینی است و تمام آنچه که در آموزه های دینی مطرح شده به نحوی به انسان بر می گردد. البته انسانی که به عنوان بنده پروردگار است و انسانی که هستی برای او آفریده شده و باید مدارج کمالش را طی کند. از سوی دیگر با توجه به حساسیت جایگاه انسان و پیچیدگی های ابعاد وجودی او که قرآن کریم تعبیرش این است که ما انسان را آفریدیم و ما می دانیم که رخنه ها و آسیب های او چیستند اینکه، بیائیم دست دین را از حریم انسان کوتاه کنیم و علوم انسانی را یکسره به دیگران بسپاریم واقعاً جای شگفتی و بلکه تأسف دارد.

نصیری اظهار کرد: آن چیزی که از سده 14 به این طرف با ظهور مدرنیته اتفاق افتاد همه اعتراف دارند و داریم که کسانی که آمدند برای انسان، این شخصیت پیچیده عالم هستی نسخه نوشتند برای اندیشه ها، تفکر، حقوق و رابطه اش برنامه ها تدوین کردند. اینها کسانی نبودند که شناخت درستی از انسان داشته باشند کسانی مثل دورکیم و بیکن و هیوم و فروید با ادعای فلسفه دانی و ریاضی دانی و روانکاو و امثال اینها آمدند و دیدیم که چه مسائلی اتفاق افتاد.

وی افزود: در حوزه تعاملات انسانی صحبت از رابطه انسان با خودش، که اخلاق فردی است؛ رابطه انسان با خدای خودش که اخلاق بندگی تولید می شود و رابطه انسان با محیط انسانی و همچنین رابطه انسان با محیط زیستی است. در تفکر مدرنیته اساساً پدیده ای به نام اخلاق فردی نداریم. دورکیم تصحیح می کند که اساساً چیزی که انسان با خویشستن خویش رابطه داشته باشد مثل معرفت النفس مطرح نیست. اینها چیزهایی که انسان باید با متافیزیک و با خدا در ارتباط باشد را مطرح نکرده اند و رابطه انسان با محیط انسانی و محیط زیستش را بیان کرده اند و آنهم آن ارتباط را یک ارتباط مکانیکی مثل اینکه چگونه یک ماشین را در خیابان به حرکت درآوریم تعریف کرده اند.

این محقق و پژوهشگر حوزه علوم اسلامی یادآور شد: نتیجه آن هم اخلاق سکولار می شود. تعریفی که غربی ها از انسان دارند به معنی دقیق کلمه حیوان تکامل یافته است. حالا این حیوان تکامل یافته از دیدگاه فروید انسانی است که به شدت تحت تأثیر غرایز جنسی اش است یا از دیدگاه امثال مارکس و لنین و انگلس به شدت تحت تأثیر مسائل مادی و اقتصادی خویش است. وقتی چنین طرز تلقی ای از انسان وجود داشته باشد نمی توانیم انتظار داشته باشیم که حقوقی که آنها می نویسند حقوق انسان الهی باشد یا علوم سیاسی ای که می نویسند دقیقاً درست باشد. اگر حقوق بشر می نویسند مسائلی مطرح شده که کاملاً حقیقت و هویت انسان را درست و صحیح تعریف نمی کند.

رئیس مؤسسه معارف وحی و خرد تصریح کرد: وقتی کنوانسیون رفع تبعیض از حقوق زنان می نویسند چنان از برابری زن و مرد صحبت می کنند که گویا زن مرد و مرد زن شده است. آنجا تصریح می کنند که زن حق آزادی جنسی دارد و حق همه گونه فعالیت کدایی را در زندگی فردی خود دارد مثلاً حق سقط جنین دارد که این مسائل با ادیان سازگاری ندارند. بنابراین باید تکلیف جوامع اسلامی یا حداقل جامعه ما روشن شود. پیداست علوم انسانی غربی حاصل تفکرات و اندیشه های اندیشمندانی است که دلی به متافیزیک نسپرده اند و حقیقت و هویت انسان از نظر آنها همان حیوان تکامل یافته است همان نظریه داروین که بحرانی در علم ایجاد کرد.

نصیری اظهار کرد: بنابراین از بستر این نگاه و تحلیل نمی توانیم یک علوم انسانی درست استخراج کنیم؛ علوم انسانی ای که واقع نما باشد و باور صادق موجه در بعد معرفت شناسی تولید کند و یک انسان الهی و انسان متخلق به اخلاق الهی تولید شود.

در اینصورت با همین مسائلی که گاهی با آنها مواجه هستیم گرفتار می‌آئیم که باید با آنها برخورد کنیم. یعنی علوم انسانی لائیک که در تناقض با الهیات است و افرادی مثل چارلز داروین که خدا را یک پنداری مطرح می‌کنند و به علوم انسانی سکولار می‌رسیم که در آن دین و ارزشها و باورهای متعالی کاملاً مورد بی‌مهری و بی‌لطفی قرار می‌گیرند. بنابراین باید متفکران ما با این مشکلات برخورد کنند و آنها را حل نمایند.

وی افزود: یعنی اولاً بپذیرند این علوم باید ملهم و منبعث از متافیزیک ادیان الهی به ویژه اسلام باشد و بعد بیایند برای آن راهکار تعیین کنند یعنی از آن ابزارها و روش‌هایی که غربی‌ها استفاده کردند برای این علوم فرمول و قاعده ساختند و چارچوب درست کردند استفاده کنیم و روح مطالب و مباحث را از خود متون دینی بگیریم و بتوانیم از این هسته و نطفه و تحقیقات و پژوهشهای دینی دفاع کنیم. هنوز در حد شعار مانده ایم می‌گوییم که علوم انسانی می‌تواند دینی باشد و دین آن را به ما عرضه کند ولی وقتی وارد دفاع از این علوم انسانی اسلامی می‌شویم از دفاع باز می‌مانیم. فقط یک اصول و چارچوب و مبانی کلی ترسیم کرده ایم.

این محقق و پژوهشگر حوزه علوم اسلامی یادآور شد: واقعاً اگر کسی در مبانی تربیت اسلامی کار کند یک نظامنامه و ساختار تربیت اسلامی در بیاورد و ارائه کند می‌شود علوم انسانی اسلامی تدوین کرد. منتها اینها کار می‌برد؛ به همان سخت‌کوشی‌ای که دانشمندان عصر مدرنیته آمدند و ابزار تجربی محض و بدون پیش‌انگاری معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی نظام‌واره تدوین کردند. ما باید سخت‌کوشانه کار کنیم تا یک علوم انسانی منقح و چارچوب‌دار مبتنی بر آموزه‌های دینی اعم از کتاب و سنت استخراج کنیم و این مسئله باید به دور از شعار زدگی باشد.